موضوع: بررسی مبانی معرفت شناسی در اجتهاد علم کلام

نکته ای در مورد غایت معرفت شناسی

گفته شد غایت معرفت شناسی، شناخت ارزش معلومات و قلمرو و گستره آن است. در اینجا ممکن است گفته شود غایتی که در این جا بیان شده با مسائل این علم یکسان شده است، زیرا بحث ارزش معلومات و قلمرو معرفت جز مسائل این علم است. در پاسخ دو نکته بیان می کنیم:

اولا: در همه علوم، مساله غایت از مبادی تصوری آن علم به شمار می رود. علوم یک غایت عام و یک غایت خاص دارند. غایتی که در همه علوم بدون استثنا وجود دارند کشف مجهولات است. فطرت جستجوگر انسان همواره خواهان کشف مجهولات است و همین مساله را می توان غایت مشترک همه علوم دانست.

ثانیا: هدف و غرضی که علم معرفت شناسی به دنبال آن است (غیر از غرض عامی که برای همه علوم است)، این است که فرد با بصیرت و شناخت صحیح نسبت به آراء مختلف در مسائل این علم داوری کرده و موضع خاصی بگیرد.

خانواده معرفت شناسان

ما یک خانواده به نام خانواده معرفت شناسان داریم که اعضای مختلفی دارد. عضوی از آن شکاکان و عضوی از آن سوفسطائیان و عضوی دیگر طرفداران رئالیست است. نباید معرفت شناسی را به گونه ای تعریف کرد و غایتی برای آن در نظر گرفت که تنها طرفداران رئالیست را شامل شود و مابقی مکاتب از آن بیرون باشد. بر این اساس گفته شد موضوع معرفت شناسی، مطلق علم بدون در نظر گرفتن قید کاشفیت است. غایت آن نیز داوری در آراء مختلف درباره مسائل این علم و اتخاذ موضع صحیح در آن است. از آنجا که معرفت شناسی یکی از معارف پایه ای و شالوده ای است همه باید موضع خود را نسبت به مسائل آن مشخص نمایند و همین مساله هدف و غرض این علم به شمار می رود.

اهمیت معرفت شناسی و علم هرمنوتیک

دو علم است که پیش درآمد همه علوم دیگر است و آن معرفت شناسی و هرمنوتیک است. هرمنوتیک به معارفی متوجه است که جنبه نقلی دارد. اگر در مباحث هرمنوتیکی دیدگاه هرمنوتیک مدرن که هایدگر و گادامر مطرح کرده پذیرفته شود همه مباحث فقهی کن فیکون می شود. اندیشه کثرت قرائت های مختلف، تحت تاثیر همین هرمنوتیک فلسفی است که برای قصد مولف وجهی قائل نیست و اندیشه مفسر را ملاک فهم می داند. از آن سو معتقد است هر مفسری نیز بر اساس پیش داروی های خود به معنای متن می پردازد و لذا متن دارای معانی مختلف است و هر کدام نیز درست است و نمی توان آن را تخطئه نمود. اما اگر قصد مولف، در فهم معنای متن ملاک باشد در این صورت مساله کاملا فرق می کند.

معرفت شناسی نیز علمی ضروری و لازم است. غایت و هدف این علم این است که انسان با تحقیق در مسائل این علم، بتواند دیدگاه صحیح را پیدا کرده و شناخت او نسبت به هستی استوار گردد.

رابطه فلسفه علم و معرفت شناسی

فلسفه علمی پژوهش فلسفی درباره چیستی، مبانی، و راه و روش هریک از علوم بشری است. بحث درباره موضوع، غایت و روش یک علم، مبانی، مسائل و تحولات تاریخی، ترابط آن با علوم دیگر و عوامل اجتماعی مؤثر در آن علم، مسائل و مباحث فلسفه علم را تشکیل می‌دهد. برخی از این مسائل، با مسائل معرفت شناسی، مرتبط یا مشترک است، ولی تفاوت این دو علم، اولا: در موضوع آن دو است، زیرا موضوع معرفت شناسی، علم به معنای صفت نفس انسان و پدیده‌ای ذهنی است، در حالی که موضوع علم فلسفه علم، علم به معنای رشته -‌ای علمی است که عبارت است از مجموعه‌ای از مسائل دارای محور و جهت واحد (موضوع یا غایت). ثانيا: برخی از مسائل فلسفه علم مانند

مبانی و عوامل اجتماعی مؤثر در یک رشته علمی و تحولات تاریخی و ترابط آن با علوم دیگر، از مسائل و مباحث معرفت‌شناسی به شمار نمی رود.

رابطه روش شناسی و معرفت شناسی

در روش شناسی، با توجه به موضوع و هدف علمی خاص، روش درست پژوهش درباره مسائل آن علم تبیین میشود. ابزارهای شناخت و قواعد تحقیق، مؤلفه‌های روش علم را تشکیل میدهند. این مسائل، مسائل معرفت‌شناسی نیز می‌باشند، با این تفاوت که در معرفت‌شناسی این مسائل به علمی خاص اختصاص ندارد، بلکه مطلق و عام است. بنابراین، معرفت‌شناسی با روش شناسی علوم، نزدیک ترین ارتباط را دارد.

آنچه بیان شد مربوط به مبادی معرفت شناسی بود . انشاء الله در ادامه وارد مسائل این علم می شود . اولین مساله ای که باید مورد بررسی قرار گیرد چیستی معرفت است؟

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد